

اشاره

در پی وقوع فاجعه منا فرصت‌های حقوقی برای فشار بر سعودی



سیدمحمد مهدی غم‌امی: در اثبات عناصر انتساب حادثه به دولت سعودی، عنصر اول یعنی عنصر «نقض تعهد» به وضوح قابل اثبات است. در واقع مفروض این است که دولت عربستان به تأمین جانی تمام حجاج به‌عنوان خادم حرمین مکلف است. نقض این تعهد به‌شکلی گسترده (بیش از ۸ هزار کشته) قابل انکار نیست.

از سوی دیگر بستن یکی از مسیرهای دسترسی منا به‌دلیل عبور کاروان خودروبی پسر پادشاه عربستان و نیروهای امنیتی مربوط (۳۵۰ نفر) با وجود تراکم شدید جمعیت، به‌طور عرفی به ایراد خسارت می‌انجامد. در نتیجه خسارت وارده نه‌تنها ناشی از بی‌کفایتی و سوءمدیریت که از روی عمد رخ داده است. عنصر دوم، یعنی «قابلیت انتساب عمل خلاف به عامل رفتار» حاصل می‌شود و عنصر سوم که عبارت است از مسلم بودن خسارت نیز با قبول رژیم سعودی مبنی بر کشته و مجروح شدن هزاران حاجی فراهم است. جمهوری اسلامی ایران در این باره باید به ایراد خسارت قطعی اعم از مادی و معنوی اصرار کند و صرفاً به خسارت مادی ناشی از فوت یا جراحت بسنده نکند.

با توجه به اینکه عربستان بر گزار می‌کند، حج را در قالبی کاملاً حکومتی تنظیم کرده، انسداد یکی از مسیرهای رمی جمرات نمی‌تواند کار چند شخص کارگزار یا چند مأمور امنیتی باشد که ملک سلمان دستور گردن زدن آنها را صادر کرده است. بنابراین حمایت دیپلماتیک جایی است که عمل خسارت از جانب دولت متبوع خود با استفاده از اقتدار دولتی عمل کرده باشد (ماده ۸ مسؤولیت بین‌المللی دولت) و چون مأموران امنیتی با استفاده از قوای قهریه یک مسیر را امرانه و بدون اطلاع قبلی مسدود کرده‌اند، مسؤولیت دولت عربستان در ورود خسارت و طرف دعوا قرار گرفتن، منسج است. از سوی دیگر چون دولت سعودی تا ساعت‌ها پس از حادثه با نیروهای امدادی و پزشکی همکاری نکرده است، خود را به‌طور مستقیم مسؤول حقوقی حادثه شناسایی کرده است.

به این ترتیب باید سازوکارهایی فراهم کرد که رژیم سعودی باندان باید تمام امکانات تأمین سلامت را تحت نظارت کمیته‌ای از نمایندگان کشورهای اسلامی فراهم کند به‌علاوه در صورت وقوع حادثه، فرآیند انتساب خسارت به شیوه کنونی طی نشده و به محض ایراد خسارت، دولت سعودی باید تمام خسارت مادی و معنوی را کامل و فوری پرداخت کند. ضمناً اقدامات حمایتی نظیر اقدامات دیپلماتیک یا کنسولی وزارت امور خارجه برای کسب امتیاز برای اتباع ایرانی از دولت عربستان، هم می‌تواند اقدامی پیشگیرانه باشد و هم در صورت وقوع حادثه، اینگونه مأموران امدادی ایران را در فرآیند خواش (امتنائی) و فرآیندهای اداری کمک‌رسانی درگیر نکند. در مجموع اخذ خسارت باید چند ویژگی داشته باشد: اول فوری باشد، دوم کامل باشد و سوم جامع؛ یعنی هم خسارت مادی و هم روانی ناشی از حادثه را پوشش دهد ولی در عرصه بین‌المللی خسارت دیگری هم وجود دارد که دولت‌ها برای حمایت از اتباع‌شان آن را مطالبه کرده و بیشتر جنبه پیشگیرانه دارد، یعنی خسارتی ده‌ها برابر خسارت مادی و روانی وارده برای اینکه دولت خسارت‌زنده متوجه شود جایی برای تجربه مجدد خسارت وجود ندارد. به این خسارت «خسارت تنبیهی» گفته می‌شود و ایران باید برای اثباتش چنین خسارتی را هم مطالبه کند.

بویژه اینکه به‌منظر می‌رسد حادثه‌های حج سال گذشته، بخش عمده‌ای از حجاج ایرانی را هدف قرار داده بود. در این زمینه برخی معتقدند شهادت دانشمند بزرگ صنعت فضایی ایران و سهم بسیار زیاد کشته‌شده‌ها از اتباع ایران عمدی بوده است.

تعقیب و تبعیض نهادمند به‌دلیل پیگیری مطالبات بحق خود قرار داشته و مسیحیان این کشور نیز از وضعیتی بهتر از شیعیان برخوردار نیستند؛ چنانکه مفتی اعظم عربستان سال ۲۰۱۲ خواستار تخریب تمام کلیساهای سراسر عربستان شد. علاوه بر این موارد، ایجاد تشکل‌های مدنی و تأسیس احزاب مختلف در این کشور غیرقانونی بوده و فعالان این حوزه در صورت تخلف، با برخورد قضایی شدیدی مواجه می‌شوند.

■ ملاحظات

۱- با پایان جنگ سرد و به‌دنبال آن پایان نظام دوقطبی در روابط بین‌الملل و تحمیل نظام تک‌قطبی بر جهان به رهبری ایالات متحده آمریکا و بویژه طی چند سال اخیر، موضوع حقوق بشر به دستاویزی مهم در عرصه سیاست خارجی آمریکا و متحدان غربی آن، جهت اعمال فشار و تضعیف کشورهای رقیب یا متخاصم بدل شده است. در حقیقت، امروز اهمیت حقوق بشر از نگاه غرب در هنجارسازی و نظم‌بخشی به کنشگران نظام بین‌الملل موجود به‌طور خاص دولت‌ها مبتنی بر اندیشه لیبرال-دموکراسی است که قرار است از درون آن نظم نوین جهانی مدنظر مدعیان حقوق بشر محقق شود. در این راستا، دولت‌هایی که به لحاظ مبانی سیاسی و ایدئولوژیک، نظم معاصر جهانی را برنرفته و در پی اصلاح یا تغییر آن باشند، به‌واسطه اهرم حقوق بشر در منظر دادگاه افکار عمومی جهان مشروعیت‌زدایی شده و محکوم می‌شوند. این مساله سال‌هاست درباره جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام تحول‌خواه و تجدیدنظرطلب در قبال نظم جهانی موجود اعمال می‌شود و همواره به‌واسطه اهرم حقوق بشر، هویت فرهنگی-دینی و مشروعیت سیاسی آن مورد حمله قرار می‌گیرد. در واقع، غرب با رویکردی غیرصادقانه درباره مفهوم حقوق بشر، معیاری دوگانه اتخاذ کرده و در این راستا چشم خود را بر وضعیت حقوق بشری همپیمانان خاورمیانه‌ای خود که دارای پرونده سؤال‌برانگیزی در این باره هستند، بسته است. از جمله این همپیمانان، عربستان سعودی است که در واقع می‌توان آن را در زمره جدی‌ترین ناقضان این «مفهوم تعالی» برشمرد.

۲- بررسی وضعیت حقوق بشر عربستان حاکی از این واقعیت است که در جهان امروز، رعایت حقوق بشر و التزام به آن بهانه‌ای بیش در جهت پیشبرد منافع و اغراض سیاسی نیست. این مساله حاکی از رویکرد دوگانه و مژورانه غرب در برخورد، با موضوع حقوق بشر است که از یک سو داعیه حفظ و بسط حقوق بشر در دنیا را دارد و از دیگر سو، چشم خود را بر وضعیت اسفناک حقوق بشری برخی دولت‌ها صرفاً به این جهت که جزو همپیمانان غرب محسوب شده و در جهت تأمین منافع سیاسی و راهبردی آنها گام برمی‌دارند، تعدماً بسته است. این مساله منجر به شکل‌گیری پرسشی جدی در منظر وجدان آگاه بشری شده است مبنی بر اینکه، چگونه کشوری با چنین سابقه حقوق بشری از گزند انتقادات برنده حامیان مدعی حقوق بشر مصون مانده است و برعکس، همواره مورد حمایت همه‌جانبه این مدعیان در عرصه‌های گوناگون بویژه در عرصه نظامی قرار گرفته است؛

چنانکه طبق آخرین آمار مؤسسه «سیپری»، عربستان سال ۲۰۱۳ با خرید تسلیحاتی ۶۷ میلیارد دلار، در ردیف چهارمین خریدار تسلیحاتی دنیا قرار گرفته است که قسمت اعظم آن توسط ایالات متحده آمریکا تأمین شده است.

۳- پرشش فوق‌النگاه جدی‌تر و جالب‌تر می‌شود که مشاهده می‌کنیم کشوری با چنین پرونده سؤال‌برانگیز در عرصه حقوق بشر که باید در پیشگاه دادگاه وجدان جهانی پاسخگو باشد، روحیه حق به جانب به خود گرفته و اکنون در زمره مدعیان حقوق بشر قرار گرفته و نسبت به وضعیت حقوق بشر سوریه به‌ابزار نگرانی می‌کند و تلاش دارد در قامت ناجی مردم سوریه(!!) آنها را از حکومت اسد برهاند. چگونه کشوری که خود جزو جدی‌ترین ناقضان حقوق بشر دنیاست و در قبال شهروندان خویش ملزم به حداقل پاسخگویی نیست، اکنون ندای دفاع از آزادی، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت را در سوریه سر داده و نسبت به نقض آن ابراز نگرانی و نارضایتی می‌کند!

۴- نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد، آن است که بر اثر فشار نهادهای سازمان‌های حقوق بشر بین‌المللی در کنار فشار افکار عمومی داخلی، رژیم عربستان درصدد بهبود شرایط برآمده و در این راستا تلاش کرده با اعطای برخی امتیازات و کاهش محدودیت‌ها، تا حدودی از حجم انتقادات و فشارها بکاهد. در این راستا می‌توان به مواردی همچون اعطای حق وکالت به بانوان عربستانی از تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۲، حضور ۲ تن از بانوان ورزشکار این کشور در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن برای نخستین‌بار و نیز اعلان اینکه بانوان می‌توانند در انتخابات شوراهای شهر این کشور در سال ۲۰۱۵ کاندیدا شده و از حق رای برخوردار باشند، اشاره کرد. با وجود این اقدامات، لیکن هنوز عربستان سعودی مسیری طولانی در جهت اصلاحات واقعی و رفع تبعیض و محدودیت‌های گسترده اجتماعی و سیاسی در پیش دارد که طی این مسیر مستلزم تغییر رویکرد اساسی حکومت آل سعود نسبت به شهروندان خویش بویژه جامعه شیعیان و بانوان این کشور است و این امر نیز صرفاً از طریق اصلاحات بنیادین سیاسی تحقق خواهد پذیرفت.



نگاهی اجمالی به وضعیت اسفبار زندگی در عربستان سعودی

بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشر

■ محمد سلیمانی

تفهمی اتهام و محاکمه اشاره کرد که این موضوع انتقاد سازمان‌های حقوق بشری از جمله سازمان دیده‌بان حقوق بشر را نیز برانگیخته است. این سازمان طی گزارش ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ خود تحت عنوان «عربستان به بازداشت خودسرانه باید پایان دهد» ضمن انتقاد شدید از رژیم سعودی درباره بازداشت‌های غیرقانونی، ابراز داشته است عربستان باید سریعاً درباره مبنای قانونی بازداشت صدها تن از افراد و نیز اقدامات صورت‌پذیرفته در جهت توقف عمل بازداشت‌های خودسرانه اطلاع‌رسانی کند. در این گزارش همچنین اشاره شده است ۲۹۳ تن از شهروندان عربستانی بیش از ۶ ماه در بازداشت پیش از محاکمه قرار داشته‌اند، بدون آنکه پرونده آنها به مراجع قضایی ارجاع شده باشد. در میان این بازداشت‌شدگان، ۱۶ تن از آنها بیش از ۲ سال و یک تن نیز بیش از ۱۰ سال است در چنین شرایطی بسر می‌برند. این در حالی است که طبق بند ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری عربستان، فرد مظنون را حداکثر تا ۵ روز می‌توان بدون تفهیم اتهام در بازداشت نگه داشت و پس از انقضای دوره، با حکم اداره تحقیقات و پیگرد قضایی این مدت حداکثر تا ۶ ماه قابل تمدید است و بعد از آن فرد مظنون باید در اسرع وقت یا آزاد یا به دادگاه صالحه تحویل شود.

■ وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌های موقت

بهرغم اینکه دولت عربستان با ایجاد شرایط فوق‌العاده امنیتی درباره وضعیت زندانیان و زندان‌ها مانع هرگونه اطلاع‌رسانی دقیق از شرایط آنها شده است؛ لیکن اخبار و گزارشات سازمان‌های حقوق بشری از وضعیت این زندان‌ها حاکی از شرایط وخیم زندان‌ها و زندانیان این کشور و نقض جدی حقوق آنان است. در این ارتباط به‌عنوان نمونه می‌توان به تراکم بسیار بالای زندان‌ها و نبود فضای مناسب جهت استراحت زندانیان اشاره کرد؛ به طوری که طبق گزارش شبکه خبری فرانس ۲۴، در سلولی به مساحت ۵ در ۶ متر، ۳۳ زندانی جای داده شده بودند و زندانیان مجبور بودند بصورت ایستاده بخوابند! علاوه بر این، سطح نازل بهداشت و خدمات درمانی زندان‌ها از دیگر موارد قابل توجه است. در این زمینه، سال ۲۰۱۱ برخی زندانیان شیعه زندان «الدمام» در اعتراض به شرایط نامطلوب زندان، طی نامه‌ای به مقامات این کشور اظهار داشتند در یک راهروی زندان که دارای ۶ سلول و ۶ سرویس بهداشتی است، حداکثر گنجایش آن ۶۰ نفر می‌باشد، بیش از ۲۵۰ نفر نگهداری می‌شوند. در گزارش دیگری که توسط

بالغ بر ۹ میلیون نفر می‌شود، به دلیل قوانین نامناسب کار، جزو افراد آسیب‌پذیر و محروم جامعه محسوب می‌شوند که اغلب توسط کارفرمایان خود مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از این کارگران مقیم به جهت نبود قوانین حمایتی مورد استثمار و بیگاری قرار می‌گیرند؛ به طوری که این کارگران ۱۵ الی ۲۰ ساعت در روز و ۷ روز هفته بدون تعطیلی به کار گمارده می‌شوند و در برخی موارد حقوق‌شان پرداخت نمی‌شود. این شرایط کاری برای کارگران مهاجر زن به مراتب بدتر است و آنها عموماً در معرض مشکلات عدیده‌ای از قبیل کار اجباری، محرومیت از غذا و سوءاستفاده‌های جنسی، فیزیکی و روحی قرار دارند.

وجود این شرایط سبب شده است طی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ برخی از کشورهای محل مبدأ این کارگران از جمله فیلیپین، نپال و اندونزی محدودیت‌هایی را بر شهروندان خود جهت مهاجرت به عربستان به منظور کار اعمال کنند. به لحاظ دسترسی به سیستم قضایی نیز، تبعیض آمیز آن به با خیزند که با سرکوب شدید حکومت مواجه شدند. در جریان این سرکوب‌ها، تعدادی از شیعیان به ضرب گلوله به شهادت رسیده و بخش قابل توجهی از آنها بازداشت، محاکمه و ممنوع‌الخروج شدند. در آخرین مورد از این نوع برخوردها، حکومت آل سعود مبادرت به بازداشت آیت‌الله شیخ نمر باقر‌النمر از رهبران جریان اعتراضی شیعی در ۸ جولای ۲۰۱۲ کرد و پس از انجام محاکمه غیرعلنی و به‌دور از دسترسی به وکیل، این روحانی شیعی را اعدام کرد.

■ تبعیض علیه زنان

یکی از بارزترین موارد نقض حقوق بشر و تبعیض علیه افراد، محدودیت و محرومیت‌های گسترده اجتماعی علیه زنان در این کشور است. زنان جامعه عربستان در معرض جدی‌ترین تبعیضات جنسیتی قرار دارند که این موضوع در نظام قضایی و سیاسی این کشور نهاده شده است. به‌عنوان نمونه زنان در عربستان برای ایجاد حققان استفاده کرده و فعالان سیاسی و اجتماعی کشور را در معرض پیگرد، اتهامات ساختگی و واهی، محاکمه نامعادلانه و احکام حبس طولانی‌مدت قرار می‌دهند.

علاوه بر این مساله، این نظام غیرمردون سبب شده است شهروندان عربستانی نسبت به جرائم کیفری هیچ‌گونه اطلاعی نداشته باشند؛ فلذا به‌سادگی در معرض اتهامات سیاسی و امنیتی قرار گیرند. از دیگر معضلات این نظام قضایی آن است که قاضی دادگاه مختار است در هر زمان اتهامات علیه متهم را تغییر دهد که این امر منجر به سردرگمی متهم، اطاله روند دادرسی و نامشخص شدن وضعیت وی می‌شود.

از دیگر موارد قابل اشاره می‌توان به بازداشت‌های خودسرانه و طولانی‌مدت بدون

علاوه بر اینگونه محدودیت‌ها، شیعیان به لحاظ جایگاه سیاسی نیز کاملاً در حاشیه قرار گرفته‌اند؛ به‌نحوی که از تمام مشاغل حکومتی محروم بوده و حتی در امور مربوط به مناطق خود نیز از حق خودمختاری و خودگردانی برخوردار نیستند. در کنار طرد شیعیان از عرصه‌های مهم سیاسی و حکومتی، آنها از شرایط اقتصادی بدتری نسبت به سایر شهروندان عربستانی برخوردارند و با تبعیضات شغلی جدی مواجهند. شیعیان اگرچه عمدتاً در نواحی نفتخیز عربستان از جمله میدان نفتی «حقل الغورا» (از بزرگ‌ترین میادین نفتی جهان) ساکنند، لیکن سهم اندکی از نیروی انسانی شرکت‌های نفتی منطقه بویژه شرکت آرامکو را به خود اختصاص داده‌اند و طی سال‌های اخیر نیز با از کار اخراج شده یا در مشاغل و مناصب میانی و پایین به کار گمارده شده‌اند.

مجموعه این تبعیض‌ها و محرومیت‌ها سبب شد شیعیان عربستان به‌دنبال فضای به‌وجود آمده در جریان خیزش‌های مردمی خاورمیانه، در حرکتی اعتراضی علیه حکومت و رویکرد تبعیض آمیز آن به با خیزند که با سرکوب شدید حکومت مواجه شدند. در جریان این سرکوب‌ها، تعدادی از شیعیان به ضرب گلوله به شهادت رسیده و بخش قابل توجهی از آنها بازداشت، محاکمه و ممنوع‌الخروج شدند. در آخرین مورد از این نوع برخوردها، حکومت آل سعود مبادرت به بازداشت آیت‌الله شیخ نمر باقر‌النمر از رهبران جریان اعتراضی شیعی در ۸ جولای ۲۰۱۲ کرد و پس از انجام محاکمه غیرعلنی و به‌دور از دسترسی به وکیل، این روحانی شیعی را اعدام کرد.

■ تبعیض علیه زنان

یکی از بارزترین موارد نقض حقوق بشر و تبعیض علیه افراد، محدودیت و محرومیت‌های گسترده اجتماعی علیه زنان در این کشور است. زنان جامعه عربستان در معرض جدی‌ترین تبعیضات جنسیتی قرار دارند که این موضوع در نظام قضایی و سیاسی این کشور نهاده شده است. به‌عنوان نمونه زنان در عربستان برای ایجاد حققان استفاده کرده و فعالان سیاسی و اجتماعی کشور را در معرض پیگرد، اتهامات ساختگی و واهی، محاکمه نامعادلانه و احکام حبس طولانی‌مدت قرار می‌دهند.

علاوه بر این مساله، این نظام غیرمردون سبب شده است شهروندان عربستانی نسبت به جرائم کیفری هیچ‌گونه اطلاعی نداشته باشند؛ فلذا به‌سادگی در معرض اتهامات سیاسی و امنیتی قرار گیرند. از دیگر معضلات این نظام قضایی آن است که قاضی دادگاه مختار است در هر زمان اتهامات علیه متهم را تغییر دهد که این امر منجر به سردرگمی متهم، اطاله روند دادرسی و نامشخص شدن وضعیت وی می‌شود.

■ حقوق کارگران مهاجر

کارگران مهاجر عربستانی که نمی‌از نیروی کار این کشور را تشکیل داده و جمعیت آنها



@vatanemrooz

در شبکه‌های اجتماعی